

بررسی نحوه انتقال سهام در شرکت های تجاری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۸/۰۸ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۰۹/۱۵)

مجید رهایی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی

فرامرز عباسی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

چکیده

سهام در لغت معانی متفاوتی یافته است. عده‌ای آن را جمع تیر و به معنای تیرها و عده‌ای بهره، نصیب‌ها، حظ‌ها دانسته‌اند. عده‌ای آن را نصیب و قسمت یا شانس تعریف کرده‌اند. همچنین سهم را اندازه‌ی شش ذرع در معاملات و مساحات مردم نیز دانسته‌اند. سهام را به معنای دیگر نیز تعبیر کرده‌اند؛ تیری که در قمار با آن قرعه کشی کنند، قوسِ دایره «خط مستقیم وصل کننده میان وتر و قوس دایره»، خط مستقیم وصل کننده میان رأس و مرکز دایره‌ی آن، یا سهم را نام ستاره آسمانی دانسته‌اند. سهام به عنوان پدیده‌ی حقوقی جدید در زمره‌ی حقوق اموال قرار دارد. سهم تلفیقی از اموال مادی (ورقه‌ی سهم) و اموال غیرمادی (حقوق و تعهدات) است. دارا شدن اوصاف و خصایص اموال مادی به گونه ایست که آن را به اموال مادی نزدیک کرده است. در انتقال سهام شرکت‌های سهامی عام اصل بر آزادی انتقال و عدم ایجاد محدودیت است. در شرکت‌های سهامی خاص اصل آزادی انتقال وجود دارد؛ ولی ایجاد محدودیت در انتقال آن امکان دارد. در خصوص سهام‌الشرکه به دلیل ماهیت خانوادگی شرکت‌های شخص و با مسئولیت محدود، اصل بر عدم قابلیت انتقال است مگر در صورت حصول شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجاری. علاوه بر این انتقال سهام بانام، تشریفات ویژه‌ای دارد که در صورت عدم رعایت، انتقال صحیح نمی باشد و رعایت تشریفات باعث می شود که انتقال در برابر شرکت و اشخاص ثالث قابلیت استناد داشته باشد. ولی انتقال سهام بینام بدون تشریفات و با قبض و اقباض صورت می گیرد.

۱۲۵



مقدمه

در «واژه‌نامه‌ی نوین» سهام متداول در فارسی را، نصیب‌ها، حظ‌ها، تعداد بر گه‌های شرکت در کارخانه و جز آن، دانسته^۱ و «فرهنگ عمید»، اصطلاح سهام را چنین دانسته: سهام جمع سهم و به معنی برگ رسید مبلغی از سرمایه‌ی یک کارخانه یا شرکت گفته می‌شود و شرکت‌هایی که سرمایه‌ی آن‌ها از فروش اوراق بهادار تشکیل می‌شود، شرکت سهامی گویند.^۲

سهام در معنای اصطلاحی، از معنای ادبی خود چندان فاصله نگرفته و بیشتر به معنای نصیب و بهره می‌باشد. در اثبات این امر می‌توان به مواد قانون مدنی اشاره کرد، که سهم را در این معنا بکار برده، مثل مواد مربوط به ارث (مثلاً سهم الارث) و شرکت (مثلاً سهم‌الشرکه) و

تعریف حقوقی سهم را می‌توان در قوانین و دکترین حقوقی جستجو کرد. سهم در ماده‌ی ۲۴ لایحه‌ی اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ چنین تعریف شده: «سهم قسمتی از سرمایه‌ی شرکت سهامی است که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. ورقه‌ی سهم سند قابل معامله ایست که نماینده‌ی تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد». ایراد وارد بر این ماده این است که سهم را قسمتی از سرمایه‌ی شرکت می‌داند، در صورتی که سرمایه‌ی شرکت تجاری مستقل از آورندگان شرکا و مختص شرکت می‌باشد. ماده‌ی ۲ قانون بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ مقرر داشته بود:

«اوراق بهادار عبارت است از سهام شرکت‌های سهامی و اوراق قرضه‌ی صادر شده از طرف شرکت‌ها و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به دولت و خزانه‌داری کل که قابل معامله و نقل و انتقال است». در این تعریف مفهوم حقوقی سهام مشخص نشده و سهام از اقسام اوراق بهادار دانسته شده است.^۳ بند ۲ م ۱ قانون تشکیل شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ در تعریف سهم چنین مقرر نموده بود:

«سهم واحدی از سرمایه‌ی یک شرکت یا اتحادیه‌ی تعاونی است که میزان آن در اساسنامه ذکر می‌شود».^۴ ایراد وارد بر تعریف م ۲۴ لایحه بر این تعریف نیز وارد است.

۲. قریب، محمد. واژه‌نامه‌ی نوین. چاپ ۵: تهران، انتشارات بنیاد. ۱۳۷۰

۲. عمید، حسن. فرهنگ عمید. جلد ۲. چاپ ۱۷: تهران، چاپ سپهر. ۱۳۷۹

۳. این قانون نسخ شده و ماده‌ی ۲ قانون بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ اوراق بهادار را به این صورت تعریف کرده است:

«اوراق بهادار، هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن باشد...».

۴. عیسی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس،



اسکینی در تعریف سهم بیان داشته‌اند:

«سهم در حقوق فرانسه ۲ مفهوم دارد: مفهوم اول با مفهوم سهم‌الشرکه در شرکت‌های غیر سهامی تطبیق دارد (تضامنی، نسبی، با مسئولیت محدود و...)، یعنی آن حقی که شریک در شرکت دارد و مفهوم دوم ورقه‌ای که حق مزبور در آن نوشته شده است. قانون‌گذار ما این ۲ مفهوم را از یکدیگر جدا کرده است. حق شریک در شرکت «سهم» و ورقه‌ای که بیانگر این حق است «ورقه‌ی سهم» خوانده می‌شود.^۱ نظر اسکینی این است که سهم طلب سهامدار از شرکت است، درحالی‌که سهم طلب سهامدار نیست و باوجودی که سهم حق مالی است ولی حق دینی محسوب نمی‌شود که در این خصوص در مبحث ماهیت سهام در فصل سوم توضیحات بیشتر ارائه می‌شود. درعین حال باید گفت که ورقه‌ی سهم در تعیین ماهیت و تعریف سهام نقشی ندارد و نمی‌توان سهام را با ورقه‌ی سهم تعریف نمود. ورقه‌ی سهم مشخص آورده‌ی سهامدار در شرکت است و خصوصیات سهام مربوط به سهامدار از جمله میزان سهام، نوع سهام و... .

نویسنده‌ی دیگر نیز شبیه به تعریف قبل سهم را حق شریک در شرکت می‌داند:

«سهم ۲ معنا دارد: یکی حقوقی که شریک در شرکت دارد و دیگری برگ بهادار که هم این حق را تأیید می‌کند و هم نماینده‌ی آن است».^۲ به نظر پاسبان سهم، حصه‌ی معین در سرمایه‌ی شرکت است: «سهم به معنای حصه‌ی مشارکت هر شریک در هر نوع مشارکت و دارایی مشترک گفته می‌شود، برای مثال حصه‌ی وراثت در ماترک یا دارایی شریک در ملک مشاع و حقوق و تعهدات شرکا در شرکت همگی تحت عنوان سهم قابل‌شناسایی هستند، لکن هنگامی که اصطلاح سهم در حقوق شرکت‌های تجاری مدنظر باشد، معنایی خاص را افاده می‌کند که یکی از وجوه ممیزه‌ی شرکت‌های سهامی از شرکت‌های غیر سهامی محسوب می‌گردد. چراکه در این حوزه از حقوق، سهم به معنای بخشی از سرمایه‌ی شرکت سهامی است که در مقابل سهم‌الشرکه به‌عنوان بخشی از سرمایه‌ی شرکت‌های غیر سهامی به کار می‌رود. سهم در شکل برگ سهم تجسم می‌یابد که برگه‌ی مزبور، شمار سهم، ارزش اسمی آن و نیز سهم را معین می‌کند.^۳ نویسنده‌ی دیگر با همین عقیده سهم را چنین بیان کرده‌اند:

«سهم معرف قسمتی از سرمایه‌ی شرکت سهامی است، این حصه ممکن است آورده‌ی نقدی یا غیر نقدی باشد. سهم مال منقول است که به اعتبار آن نمی‌توان سهامدار را مالک مشاع در اجزای دارایی شرکت دانست، بلکه سهامدار، دارای حقوق یا تعهداتی است که وابسته به ورقه‌ی سهم بوده و ورقه‌ی سهم

۱. اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری). جلد ۱. چاپ ۱۲: تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.

۲. عیسی تفرشی، پیشین، ص ۱۰۶.

۳. پاسبان، محمدرضا، حقوق تجارت، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱، ص ۲۶۸.



ایجاد شده به وسیله‌ی شرکت، معرف این حقوق و تعهدات است. سهم، قطعه‌ای از سرمایه‌ی یک شرکت است. هر سهم، نشان‌دهنده یا نماینده‌ی کوچک‌ترین واحد مالکیتی، در یک شرکت یا کارخانه است.^۱

بخش اول: ماهیت معاملات سهام

در بازار سهم و عرف تجارت، سهم به‌عنوان یک مال تجاری مورد دادوستد قرار می‌گیرد و در عرف بازار، مال بودن سهم مسلم است و در بازار، آنچه مورد معامله قرار می‌گیرد (موضوع معامله سهم)، حق سهامدار در شرکت یا آورده سهامدار به شرکت است و طرفین با توجه به ارزش و قیمت خود سهم، که در بازار بورس عوامل تعیین‌کننده دارد، سهم را مورد دادوستد قرار می‌دهند.

در مورد سهم، قابلیت انتقال به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است ولی در خصوص ماهیت انتقال موضع‌گیری صریحی بین حقوقدانان وجود ندارد. در اینجا این که انتقال، انتقال تعهد است یا تبدیل تعهد یا تابع انتقال اموال است و ... باید مورد بررسی قرار گیرد.

بند اول: تبدیل تعهد

تبدیل تعهد از علل سقوط تعهد به شمار آمده است و عبارت است از این که تعهدی که در نتیجه‌ی تغییر یکی از ارکان به تعهدی دیگر تبدیل گردد که در این صورت تعهد اول ساقط و تعهد دیگر جایگزین آن می‌شود.^۲ درحالی که با انتقال سهام، تعهدی ساقط و تعهد جدیدی ایجاد نمی‌شود. دوم این که از شرایط تبدیل تعهد وجود دین و تعهد قبلی است، درحالی که در بررسی ماهیت سهم بیان شد که سهم تا قبل از انحلال شرکت، دین نمی‌باشد و ماهیت سهم در کل دین نیست که مشمول تبدیل تعهد قرار گیرد. پس انتقال سهم مصداق انتقال تعهد و تبدیل تعهد نیست.

بند دوم: انتقال طلب

اگر انتقال سهم را انتقال تعهد بدانیم باید بین انتقال دین و طلب تفکیک قائل شد. اگر تعهد را دین بدانیم، انتقال دین فقط ویژه عقد ضمان و حواله است.

در صورتی که تعهد طلب باشد، دو فرض وجود دارد:

۱- شرکت در پایان سال مالی متعهد به پرداخت سود به سهامداران باشد؛ این سود احتمالی است و امکان دارد اصلاً شرکت سودی نبرده باشد که سهامداران طلبکار آن سود محسوب شوند،

^۱. عرفانی، محمود. حقوق تجارت. جلد ۲. چاپ ۳. تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان. ۱۳۸۶

^۲. صفایی، حسین، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ ۷، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹، ص ۲۵۵

۲- طلب سهامداران نسبت به دارایی شرکت و مبلغ اسمی سهام باشد، درحالی که این حق زمانی برای سهامدار ایجاد می‌شود که شرکت منحل شود و دیون آن پرداخت شده باشد، در صورتی که شرکت حیات داشته باشد و منحل نشده باشد، چنین طلبی وجود ندارد و مقتضی این طلب ایجاد نشده که سهامدار نسبت به آن طلبکار باشد.

هم‌چنین برحسب قواعد عمومی قراردادها مورد معامله اگر طلب باشد معلوم و معین نیز نیست. پس انتقال سهم مصداق انتقال طلب نیست.

بند سوم: ماهیت خاص معاملات سهام

با توجه به این که عرف از منابع حق به شمار می‌رود و با بررسی «عرف بازار سهام»، ملاحظه می‌شود که سهام در دید عرف یک مال مستقل تلقی شده و مورد معامله «به‌عنوان یک مال مستقل» قرار می‌گیرد. از طرفی حقوق مالی و غیرمالی نیز که به سهام تعلق می‌گیرد تا جایی متعدد و متنوع هست که نه می‌توان ماهیت سهم و حقوق ناشی از آن را حق عینی دانست و نه حق دینی و در نتیجه ماهیت سهام را دارای طبیعتی خاص و پیچیده می‌کنند که برای انتقال سهام با کلیه‌ی حقوق و تعهدات مربوط به آن نیاز به غالبی خاص احساس می‌شود.

انتقال سهام به‌صورت معوض و غیر معوض ممکن است صورت گیرد.

عقود معین (معوض و غیر معوض) در قانون مدنی تعریف شده‌اند که هر کدام دارای احکام و آثار خاص خود هستند. قرارداد سهام می‌تواند معوض یا غیر معوض باشد که این معاملات سهام ممکن است در قالب عقود معین صورت گیرد یا برحسب اصل آزادی قراردادها (م ۱۰ ق.م) انجام شود. در هر حال، سهام گاهی به‌عنوان مالی مستقل و منقول معامله می‌شود و در عین حال مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات است که به آن ماهیتی خاص می‌دهد که انتقال این ماهیت با تمام حقوق متعلق به آن معامله‌ای خاص و منحصر به خود می‌خواهد و در نتیجه ماهیت معاملات سهام را باید ماهیتی خاص و پیچیده دانست. برای انتقال سهام در قالب عقد معین، عقد صلح می‌تواند قالبی مناسب باشد؛ زیرا عقد صلح در عقود و معاملات، معرف نوعی تساهل است و هرگاه حدود حقی مشتبه باشد، به وسیله عقد صلح می‌توان این حقوق را منتقل نمود و چون حقوق و تعهدات ناشی از سهام (ماهیت و میزان) گاهی دقیقاً مشخص نیست یا خاص و پیچیده است می‌توان این قالب معین را قالبی مناسب برای انتقال سهام دانست. علاوه بر این قانون‌گذار نیز در، دستورالعمل ماده‌ی ۱۷ (موضوع قراردادهای فروش سهام، واگذاری، مدیریت و اجاره) خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی از



قرارداد فروش و واگذاری سهام سخن گفته که می‌توان گفت قانون‌گذار قالب حقوقی خاصی تحت عنوان «قرارداد واگذاری سهام» را مطرح کرده است که می‌تواند قالبی جدید برای انتقال سهام باشد.

بخش دوم: رژیم حقوقی انتقال سهام

سهولت در انتقال سهام، از فواید مهم شرکت‌های سهامی است. انتقال سهام می‌تواند در قالب‌های حقوقی خاص و معین مثل عقد صلح، بیع و ... صورت گیرد ولی مقید به انجام معامله در قالب عقود معین نیست و می‌تواند در قالب حقوقی خاصی نباشد و بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی صورت گیرد.

در انتقال سهام باید شرایط مقرر در اصل ۱۹۰ قانون مدنی و شرایط و تشریفات شکلی انتقال رعایت شود.

انتقال سهام به حالت‌های زیر در شرکت‌های سهامی صورت می‌گیرد:

- ۱- خارج شدن یک شریک از شرکت و واگذاری سهام به اعضای دیگر؛
- ۲- خارج شدن یک شریک از شرکت و واگذاری سهام به شخص جدید در شرکت؛
- ۳- خارج شدن یک شریک یا چند شریک و واگذاری سهام به اشخاص جدید و اعضای قبلی شرکت؛
- ۴- کلیه اعضای شرکت و واگذاری سهام خود به اشخاص کاملاً جدید که در واقع واگذاری شرکت و امتیازات آن می‌باشد.

قانون تجارت در خصوص نقل و انتقال سهام به ذکر جزئیات نپرداخته است و فقط در چند ماده به نقل و انتقال سهام اشاره کرده است. پس در چنین مواردی اساسنامه‌ی شرکت می‌تواند جزئیات انتقال را تعیین کند. زیرا سهامداران حق تعیین شرایط انتقال را دارند و این مغایرتی با اعمال حق آن‌ها ندارد، مگر مواردی که قانون به‌طور کلی نقل و انتقال سهام را ممنوع کرده باشد.

انتقال سهام می‌تواند قهری یا قراردادی باشد و این انتقالات نیز می‌تواند معوض یا غیر معوض باشد.

بند اول: انتقال قراردادی سهام

ممکن است انتقال سهام به درخواست دارنده‌ی آن صورت گیرد. در انتقال ارادی، دارنده می‌تواند، سهم خود را تحت عناوینی مثل بیع، هبه یا صلح، انتقال دهد.

سهام مال است و دارای ارزش تجارتي است و هر مالی که دارای ارزش اقتصادی باشد، قابلیت معامله دارد. طبق ماده ۲۱ ل.ا.ق.ت: «شرکت‌های سهامی خاص نمی‌توانند سهام خود را برای پذیره‌نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک‌ها عرضه نمایند و یا با انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند».

فروش سهام شرکت سهامی عام، از طریق بورس اوراق بهادار و یا از طریق مزایده امکان پذیر است. در صورت مزایده سهام، فروش سهام باید با ذکر مشخصات سهام مورد مزایده، در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌گردد، آگهی شود و در صورت فروش باید نام صاحب سهم سابق، از دفتر ثبت اعضای شرکت حذف شود این انتقال باید در دفتر ثبت سهام شرکت قید شود و اوراق سهام یا گواهینامه‌ی موقت سهام با قید کلمه‌ی المثنی به نام منتقل‌الیه صادر شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی شود.

بند دوم: انتقال غیرارادی (قهری)

سهام، ممکن است به صورت غیرارادی و قهری نیز منتقل شود و توافق در آن نقشی نداشته باشد. در اینجا انواع انتقال‌ات قهری را مورد بیان قرار می‌دهیم.

«وقتی سهامدار شرکت سهامی، فوت کند، سهام به مدیر ترکه‌اش منتقل می‌شود. شرکت نیز شخصی را که دارای وصیت‌نامه یا دلایل مدیریت (که قانون برای امر مدیریت لازم می‌داند) است را ذی‌حق، بر سهام متوفی خواهد شناخت. مدیر ترکه استحقاق دریافت منافع و باز پس گرفتن سرمایه‌ای که در صورت انحلال شرکت به خود متوفی در صورتی که زنده بود، می‌رسید را دارد تا او بتواند ادعایی به شرکت بنماید. مدیر ترکه مانند خود متوفی نسبت به خرید سهام منتشر شده توسط شرکت حق تقدم دارد و می‌تواند آن اندازه سهامی که خود متوفی می‌توانست ایجاب خرید آن‌ها را بدهد، او نیز ایجاب خرید کند.

اگر سهام تعهد شده از سوی متوفی پرداخت نشده باشد، مدیر ترکه می‌تواند با پرداخت تعهد متوفی، سرمایه‌ی پرداخت نشده را پرداخت کند. البته مدیران ترکه تا حد دارایی متوفی مسئولیت دارند و بیش از آن مسئولیتی ندارند. شرکت می‌تواند نام مدیر ترکه را در دفتر ثبت اعضای شرکت ثبت نماید، البته اگر صریحاً درخواست کرده باشد. همچنین مدیران ترکه می‌توانند درخواست دریافت سود سهام را از شرکت بنمایند. اگر نام مدیر ترکه به عنوان سهامدار ثبت شود، مدیر ترکه شخصاً مسئول پرداخت سرمایه‌ی پرداخت نشده‌ی سهام در صورت مطالبه‌ی شرکت خواهد بود. با فوت سهامدار سهم به ورثه منتقل می‌شود، این سهم در شرکت یک حق است و حق مربوط با فوت صاحب سهم به ورثه‌ی او منتقل می‌شود. ورثه‌ی صاحب سهم دارای همان حقوق و تعهداتی است که شخص متوفی داشت.

اگر سهام بی‌نام باشد نقل و انتقال، با قبض و اقباض صورت می‌گیرد. در مورد سهام بانام، باید شرایط خاصی رعایت شود تا نام ورثه، به عنوان صاحب سهم در دفتر ثبت سهام شرکت، به ثبت برسد.^۱

^۱. معماری، احمد. رژیم حقوقی سهام در شرکت‌های سهامی حقوق ایران و انگلیس. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی.



بند سوم: انتقال سهام در نتیجه‌ی ورشکستگی

در خصوص شرکت ورشکسته باید مقررات قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و قانون اداره‌ی تصفیه‌ی امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ و آیین‌نامه‌ی قانون اداره‌ی تصفیه‌ی امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ اجرا گردد. در صورتی که تاجری سهامدار شرکت تجاری باشد و ورشکسته شود، در مرحله‌ی اول حق دخالت در اموال خود را ندارد که از جمله‌ی این اموال سهام می‌باشد (مثلاً حق انتقال آن را در قالب هیچ عقدی ندارد و حتی نمی‌تواند آن را به طلبکار خود انتقال دهد). به دلیل حجری که قانون تجارت برای شخص ورشکسته (مبنی بر حمایت از طلبکاران و عدم دخالت ورشکسته در اموالش) در نظر گرفته برای او مدیر تصفیه تعیین می‌شود که از وظایف او تسویه‌ی دیون ورشکسته است. برای تسویه، اموال شخص ورشکسته به فروش رسیده و دیون طلبکاران پرداخته می‌شود. از جمله‌ی این اموال سهام است. سهام برای پرداخت به طلبکاران ممکن است در بورس به فروش رسیده و یا خارج از بورس به مزایده گذاشته شود. در هر حال سهام به عنوان جزئی از دارایی ورشکسته به فروش رسیده و منتقل می‌شود. قصد و رضای ورشکسته در آن نقشی ندارد؛ زیرا این امر از مواردی است که به حکم مقام قضایی و اجرایی صورت می‌گیرد. گاهی ممکن است خود شرکت سهامی ورشکسته شود. انتقال شرکت در حال تصفیه به مدیر یا مدیران تصفیه یا به اقارب آن‌ها از طبقه‌ی اول و دوم تا درجه‌ی چهارم ممنوع است و هر انتقالی برخلاف این مورد باطل است. با ورشکستگی شرکت، حق دخالت در اموال، از شرکت به‌عنوان یک شخص حقوقی از او گرفته می‌شود و برای شرکت مدیر تصفیه تعیین یا اداره‌ی تصفیه، اداره‌ی امور شرکت را بر عهده می‌گیرد. با تصفیه‌ی اموال، شرکت منحل و آورده‌ی شرکا در صورتی که باقی باشد، صورت طلب پیدا کرده و به شرکا به میزان آورده‌ی آن‌ها پرداخت می‌شود. در صورتی که از دارایی چیزی باقی نماند، به شرکای شرکت سهامی چیزی تعلق نمی‌گیرد و در عین حال در صورت ناتوانی شرکت از پرداخت دیونش، مسئولیتی مبنی بر پرداخت دیون شرکت ندارند.

بند چهارم: انتقال در نتیجه‌ی توقیف یا مصادره

شخص سهامدار ممکن است تمام مبلغ سهام را نپرداخته باشد و در نتیجه متعهد به پرداخت باقی مبلغ اسمی سهام است. در صورتی که سهامدار به تعهد خود عمل نکند و شرکت طلبش را دریافت نکند، شرکت می‌تواند مالکیت سهام را از سهامدار سلب کند که به این عمل توقیف یا مصادره‌ی سهام گفته می‌شود. امکان توقیف یا مصادره‌ی سهام می‌تواند در اساسنامه قید شود. در صورتی که مدیران قصد مصادره و توقیف سهام را داشته باشند، ابتدا باید یک اخطار برای سهامدار مبنی بر پرداخت باقی مبلغ اسمی سهام بفرستند و

در صورتی که سهامدار در مهلت مقرر به تعهدش عمل نکند، هیئت مدیره حق دارند که سهام این سهامدار را توقیف کنند.

توقیف یا مصادره در قانون پیش‌بینی نشده است، فقط گفته شده زمانی که شرکت بخواهد طلبش را مطالبه کند (یعنی مبلغ تعهد شده‌ی سهام) باید مراتب را در روزنامه‌ی کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌گردد، آگهی کند و یک مهلت معقول به سهامدار داده شود تا تعهدش را ایفا کند و باقی مبلغ سهام را پرداخت کند.

با مصادره، سهام ممکن است دوباره به شخص دیگری فروخته شود و یا به همان سهامدار پیشین فروخته شود.

امکان فسخ تصمیم مصادره از سوی مدیران وجود دارد و این امکان فسخ، تا قبل از فروش مجدد وجود دارد. با توقیف سهام، شخص دیگر، سهامدار و عضو شرکت نیست و باید گواهینامه‌ی سهمش به شرکت واگذار شود. در صورتی که این شخص قبل از مصادره‌ی سهامش، تعهداتی نسبت به شرکت داشته باشد، مسئول ایفاء این تعهدات است.

اگر شرایط ماده ۳۵ لایحه رعایت نشود، شرکت حق دارد، این سهام را از طریق بورس اوراق بهادار و یا مزایده به فروش برساند. همچنین توقیف ممکن است توسط طلبکار شخص سهامدار باشد و در صورت عدم ایفاء تعهد از سوی سهامدار، طلبکار می‌تواند سهام سهامدار را توقیف و در صورت عدم تأدیه‌ی طلب، سهام را به خود اختصاص داده و سهامدار شرکت شود و یا آن را در بورس به فروش برساند و در صورت عدم امکان ارائه در بورس آن را از طریق مزایده به فروش برساند. توقیف طلب ممکن است از سوی اشخاص ثالث، خارج از شرکت نیز صورت گیرد. طلبکار سهامدار شرکت می‌تواند با حکم مقام قضایی سهام سهامدار را توقیف و آن را در بورس یا خارج از بورس به مزایده گذاشته و استیفاء طلب کنند.

بند پنجم: انتقال در نتیجه‌ی واگذاری سهام

در صورتی که سهامدار بخواهد عضویتش در شرکت را فسخ کند، می‌تواند سهام خود را به شرکت واگذار کند. این امر یعنی واگذاری سهام، در مواردی جایز است که مصادره جایز است. امکان واگذاری می‌تواند در اساسنامه پیش‌بینی شود. تفاوت مصادره و واگذاری اختیاری از سوی سهامدار، در این است که مصادره قهری صورت می‌گیرد و از سوی شرکت انجام می‌شود، ولی واگذاری از سوی سهامدار و با اختیار خود او صورت می‌گیرد. مورد واگذاری باید از موارد اجازه داده‌شده در مصادره باشد و واگذاری غیر از این موارد، نیاز به حکم دادگاه دارد، زیرا ممکن است واگذاری منجر به کاهش سرمایه‌ی شرکت شود.

در صورتی که واگذاری به قصد فرار از تعهدات باشد، حتی اگر مدیران نیز این انتقال را اجازه دهند، این انتقال باطل است.

«واگذاری سهام در قانون تجارت ایران صراحتاً پیش‌بینی نشده است و نویسندگان کتب حقوق تجارت هم به بررسی این مورد پرداخته‌اند. اما باید این نکته را پذیرفت که سهامداران بتوانند، این موضوع را در اساسنامه‌ی شرکت پیش‌بینی نمایند که چنانچه سهامداری بخواهد سهام خود را به شرکت واگذار نماید، بتواند چنین کاری را انجام دهد. پس در صورتی که چنین موردی در اساسنامه‌ی شرکت پیش‌بینی شده باشد، مغایرتی با قوانین و مقررات مربوط به شرکت ندارد، چراکه سهامدار، این حق را خواهد داشت که هر موقع بخواهد به عضویت خود در شرکت خاتمه دهد، مگر در مواردی که چنین کاری در اساسنامه‌ی شرکت صراحتاً ممنوع شده باشد»^۱.

بخش سوم: انتقال سهام در بورس اوراق بهادار

«بورس اوراق بهادار به معنای یک بازار متشکل و رسمی سرمایه که در آن خرید و فروش سهام شرکت‌ها یا اوراق قرضه‌ی دولتی یا مؤسسات معتبر خصوصی تحت ضوابط قوانینی و مقررات خاصی انجام می‌شود و مشخصه‌ی دوم بورس اوراق بهادار حمایت قانون از صاحبان پس‌اندازها و سرمایه‌های راکد و الزامات قانونی برای متقاضیان سرمایه است»^۲.

انتقال سهام در بورس اوراق بهادار، با انتقال در خارج بورس متفاوت است. انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده بر اساس سفارش یا دستوری که به کارگزار خود می‌دهد (به‌عنوان وکیل) اراده‌ی خویش را مبنی بر انتقال اعلام می‌کنند. سهام مورد معامله در بورس نیز مربوط به شرکت‌های سهامی است که با رعایت مقررات و ضوابط خاص در بورس پذیرفته شده‌اند. کارگزاران نیز مکلف به رعایت مقررات موجود در بورس هستند. انتقال سهام در بورس فقط مربوط به انتقال سهام شرکت‌های سهامی عام است.

بند اول: سازوکار معاملات سهام در بورس

زمانی که سرمایه‌گذار تصمیم‌گیری در بورس و خرید و فروش سهام را گرفت باید به یکی از کارگزاران مراجعه و دستور خرید و یا فروش را به او بدهد.

کارگزاران، اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند و نقش آن‌ها واسطه‌گری بین خریدار و فروشنده در بازار بورس است. وظیفه‌ی آن‌ها، یافتن خریدار برای فروشنده و فروشنده برای خریدار می‌باشد و در واقع، عامل

^۱. معماری، احمد، پیشین، ص ۱۳۰-۱۳۲

^۲. دوانی، غلامحسین، بورس، سهام و نحوه‌ی قیمت‌گذاری سهام، چاپ اول، تهران، نشر نخستین، ۱۳۸۱، ص ۳۲

تطابق عرضه و تقاضا محسوب می‌شوند. کارگزاران طی تشریفات خاصی انتخاب می‌شوند و در کار خود صلاحیت، مهارت و دانش لازم را دارا می‌باشند.

در انتخاب کارگزار باید فاکتورهایی را در نظر داشت از جمله «قابلیت انجام سریع سفارش»، «داشتن اطلاعات مربوط و کافی»، «داشتن سیستم‌های داخلی مناسب»، «انجام به‌موقع سفارش»، «دادوستد سهام با مناسب‌ترین قیمت» و «نحوه ارائه خدمات».

کارگزار ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد. کارگزاران در انجام معاملات، نماینده خریدار یا فروشنده و دارای مجوز از سازمان بورس اوراق بهادار هستند. همه کارگزاران موظف به رعایت قوانین و مقررات هستند. با انتخاب کارگزار، سرمایه‌گذار باید سفارش خرید یا فروش را در فرم‌هایی که توسط سازمان بورس در اختیار کارگزاران قرار گرفته، تنظیم کند. در سفارش خرید، سرمایه‌گذار باید مبلغ خرید سهام موردنظر را به حساب شرکت کارگزاری واریز کند و اگر سفارش، فروش باشد، سرمایه‌گذار علاوه بر سفارش فروش باید فرم دیگری به‌عنوان فرم وکالت‌نامه‌ی فروش تکمیل کند و در اختیار کارگزار قرار دهد.^۱

بند دوم: نحوه معاملات در بورس الکترونیک

با توجه به فعالیت رو به گسترش بورس در کشورمان دادوستد الکترونیک سهام بسیار حائز اهمیت می‌باشد. «بورس الکترونیک به بازار مجازی اطلاق می‌شود که خریداران و فروشندگان با استفاده از فناوری اطلاعات و مجاری ارتباط الکترونیک باهم مرتبط شده و اوراق بهادار را بین خود مبادله می‌کنند. در بازارهای اوراق بهادار چرخه معاملات شامل تمامی مراحل انجام معامله از زمان تجزیه و تحلیل بازارهای اوراق بهادار و گرفتن تصمیم به خرید یا فروش اوراق تا تسویه نهایی معامله و تبادل وجود و اوراق بهادار است. «پس مراحل چرخه به سه مرحله اصلی پیش معامله، معامله و پس از معامله تقسیم می‌شود.

پیش از معامله: دریافت داده‌ها و اطلاعات بازار و ناشران، تحلیل اوراق بهادار و تصمیم برای سرمایه‌گذاری، دریافت مظنه اوراق بهادار، مدیریت سبد و ثبت و ارسال سفارش به بورس.
معامله: دریافت و کنترل سفارش‌ها، قرار دادن و ترتیب سفارش‌ها در صف دفتر سفارش مرکزی، مطابقت سفارش‌ها، اجرای معامله و انتشار داده‌های بازار.

۱۸۵



^۱. دوانی، غلامحسین، پیشین، ص ۳۲

پس از معامله: دریافت و تأیید معاملات، انجام امور پایایی و تسویه نهایی معاملات، مدیریت و کنترل خطر سپرده گذاری، انجام اقدامات شرکتی و نگهداری یا امانت داری از اوراق بهادار.^۱

در بورس تهران یا فرا بورس ایران سرمایه گذاران می توانند به طور مستقیم به سامانه معاملاتی دسترسی داشته باشند که به آن «دسترسی به خط بازار» گفته می شود. دسترسی به خط بازار فرایندی است که طی آن سفارش های خرید و فروش و همچنین عملیات تغییر یا انصراف از آن ها توسط مشتری از طریق زیرساخت دسترسی به خط بازار جهت اجرا به سامانه معاملاتی ارسال می شود.

سامانه معاملاتی سیستم رایانه ای است که دریافت سفارش های خرید و فروش، تطبیق سفارش ها و در نهایت اجرای سفارش ها از طریق آن صورت می گیرد. زیرساخت دسترسی به خط بازار زیرساختی است که به منظور دسترسی به خط بازار توسط عضو استقرار یافته و استفاده می شود. در معاملات بر خط بازار سرمایه گذار می تواند با استفاده از وبسایت کارگزار ناظر خود مستقیم وارد سامانه معاملاتی بورس اوراق بهادار شده و اقدام به خرید و فروش سهام نماید. در انجام معاملات قبل از دریافت سفارش از سامانه معاملاتی ابتدا باید سقف اعتبار مشتری کنترل شود. این کنترل در شرکت کارگزاری که به عنوان کارگزار ناظر مشتری انتخاب شده است انجام می شود. یعنی اگر مشتری وجوه مورد نیاز خرید را به حساب مخصوص واریز نموده است امکان صدور دستور خرید مطابق با میزان اعتبار وی وجود دارد در غیر این صورت سامانه از پذیرش دستور خرید خودداری می کند.

بند سوم: فروش استقراضی سهام

در این فرایند سرمایه گذار ابتدا اوراق بهادار را می فروشد و بعداً اقدام به خرید آن می کند. روش استقراضی با قرض گرفتن اوراق بهادار از کارگزار و فروش آن در بازار و سپس خرید همان میزان اوراق بهادار در آینده برای ادای قرض انجام می شود. در این فرایند وام اخذ می گردد، اما پولی قرض گرفته نمی شود بلکه سهام قرض گرفته می شود (اگرچه سهام دارای ارزش پولی است). قرض گیرنده باید با برگشت دادن سهام قرض گرفته شده (نه وجه سهام) قرض خود را ادا کند (اگرچه معادل پولی قرض را در تاریخی که وام بازپرداخت می شود می تواند به جای سهامی که خریداری می شود استفاده کند). قرض گیرنده هیچ نوع بهره ای بابت این قرض پرداخت نمی کند.

^۱. منصور، هومن، «آشنایی با بورس الکترونیک و نحوه معاملات در آن»، نشریه ی بورس اقتصادی، دوره ی ۱۷، شماره ی ۳۰، ۱۳۸۷، ص



سرمایه گذاری که به استقراض سهام و سپس فروش آن اقدام می کند در برابر کاهش قیمت اوراق سود خواهد برد و در برابر افزایش یا ثبات قیمت ضرر می کند.

بخش چهارم: تشریفات اختصاصی انتقال سهام

در انتقال سهام تشریفات خاصی، مستقل از قالب حقوقی انتقال، مورد نظر قانون گذار بوده که عدم رعایت آن‌ها بر حسب مورد منجر به بطلان یا عدم نفوذ انتقال سهام می شود. این تشریفات ممکن است بر اساس نوع سهام باشد و یا بر حسب نوع شرکت سهامی. در نتیجه در انتقال سهام در هر قالب حقوقی، این تشریفات باید مورد لحاظ طرفین قرار گیرد تا انتقال صحیح صورت گرفته باشد.

بند اول: انتقال سهام بانام

قانون تجارت برای انتقال سهام بانام، تشریفات در نظر گرفته و عدم رعایت تشریفات، ضمانت اجرای قانونی دارد. شرایط شکلی انتقال سهام بانام در مواد ۴۰ لایحه اصلاحی ق.ت و مواد ۱۲۸۷ الی ۱۲۹۰ قانون مدنی بیان شده است.

ابتدا به بیان مواد قانون مدنی می پردازیم و بعد از آن ماده ۴۰ لایحه اصلاحی را مورد تبیین قرار می دهیم.
مواد ۱۲۸۷-۱۲۹۰ قانون مدنی:

۱۲۸۷: اسنادی که در اداره ی اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آن‌ها بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است،

۱۲۸۸: مفاد سند در صورتی معتبر است که مخالف قوانین نباشد،

۱۲۸۹: غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد اسناد عادی است،

۱۲۹۰: اسناد رسمی درباره ی طرفین و وراثت و قائم مقام آن‌ها معتبر است و اعتبار آن‌ها نسبت به اشخاص ثالث در صورتی که قانون تصریح کرده باشد.

بنابراین حصول شرایط ذیل الزامی می باشد:

۱. دفتر ثبت شرکت، دفتر رسمی باشد و مندرجات آن نسبت به شرکت و اشخاص ثالث نیز اعتبار قانونی دارد،

۲. برای رسمیت نقل و انتقال سهام با اسم شرکت، رعایت تشریفات ثبت و امضای نقل و انتقال در دفتر ثبت سهام شرکت و دفتر ثبت شرکت‌ها، قانوناً ضروری است،

۳. چنانچه نقل و انتقال سهام بانام شرکت و کالتاً یا به نمایندگی صورت گیرد، باید سند و کالت رسمی یا نمایندگی قانونی ارائه و شماره ثبت اسناد مذکور در دفتر ثبت سهام شرکت، منعکس شود، (اگر انتقال و کالتاً صورت گیرد، شرکت می تواند از وکیلی که تقاضای انتقال سهم را می نماید، سند و کالت او را با امضا یکی

از دفاتر ثبت اسناد بخواهد و یا به طریق دیگری یقین پیدا کند که وکالت نامه صحیح است و گرنه در مقابل صاحب سند، مسئول خواهد بود)،

۴. اعتبار مندرجات دفتر ثبت شرکت‌ها به منزله سند رسمی است،

۵. انتقال بانام سهام شرکت، بدون رعایت شرایط قانونی فوق، از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است.

م ۴۰ لایحه: «انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضا کند.

در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است، نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود.

هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب به ثبت رسیده و امضا شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق به عمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است».

برحسب ماده ۴۰ ل.ا.ق.ت، انتقال سهام جزء عقود تشریفاتی است و برای انتقال سهام ناقل یا نماینده یا وکیل او باید دفتر ثبت سهام شرکت را امضا کند. نکته‌ای که باید بر اساس این ماده مورد توجه قرار گیرد این است که در انتقال تنها امضای ناقل کافی است که این می‌تواند از ایرادات این ماده محسوب شود. در هر حال، می‌توان گفت قانون تجارت به شکل انتقال اهمیت داده و صحت قرارداد را به رعایت شرط شکلی مقید کرده است و صحت و اعتبار انتقال ارتباطی با قالب حقوقی انتقال ندارد. در صورتی که زمان انتقال سهام بانام تمامی مبلغ اسمی سهام پرداخت شده باشد، فقط ناقل دفتر ثبت را امضای کند ولی اگر تمام مبلغ اسمی پرداخت نشده باشد ناقل و منتقل‌الیه باید دفتر را امضا و مشخصات منتقل‌الیه همراه آدرس او در دفتر ثبت شرکت درج شود. بر اساس ماده ۳۴ لایحه: «کسی که تعهد اکتیاع سهمی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می‌باشد و در صورتی که قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی، آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم، دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود»، قسمت دوم این ماده با ماده ۴۰ همپوشانی دارد، زیرا برحسب ماده ۴۰ با انتقال سهام، نام و آدرس سهامدار جدید باید قید گردد. دلیل بیان این مسئله در این دو ماده بر این اساس است که سهام با تمام حقوق و تعهدات وابسته به آن منتقل می‌شود. سهامدار جدید با کسب مالکیت نسبت به سهام مسئول تعهدات سهام محسوب می‌شود و در واقع انتقال سهام، انتقال تعهد پرداخت مبلغ اسمی سهام نیز می‌باشد. «با وجود آمره بودن ماده ۴۰ و ضمانت اجرای پیش‌بینی شده در آن (یعنی بی‌اعتباری نقل و انتقال سهام و عدم قابلیت استناد)، در بسیاری از شرکت‌ها، دفتر

ثبت سهام وجود ندارد و واگذاری سهام با توافق طرفین و ثبت آن در صورت جلسات مجامع صورت می‌گیرد. در بعضی کشورها، صاحب‌سهام بانام، تصدیقی که در دست دارد، به شخصی که می‌خواهد به او انتقال دهد، می‌سپارد و در پشت آن یا ورقه‌ی دیگری که چاپ‌شده قبلاً و از طرف شرکت به او داده‌شده است، انتقال را می‌نویسد و برای دفتر شرکت می‌فرستد. اگرچه قانون تجارت قید کرده است که صاحب‌سهام باید، شخصاً یا توسط وکیل، انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضا نماید، مانعی وجود ندارد که به طریق فوق اقدام شود، زیرا وقتی که شخص این اوراق را امضا کرد، عیناً مثل آن است که آن‌ها را در دفتر امضا کرده باشد، زیرا مقصود از دفتر، اسناد اداری شرکت است.^۱ ممکن است به همین دلیل نیز این موضوع از طرف مراجع صالح مورد اعتراض قرار نگرفته باشد.

بند دوم: انتقال سهام بی‌نام

قبل از این که اسناد در وجه حامل، در معاملات وارد شوند، انتقال اشیاء منقول با قبض و اقباض انجام می‌شد و انتقال اموال غیرمنقول با تشریفات معینی صورت می‌گرفت.

امروزه دارنده‌ی یک سهم بی‌نام دارای حقوقی است که شامل وجه نقد و مال منقول و طلب و ... می‌باشد، ورقه‌ی سهم هم نماینده‌ی آن حقوق است و این سند، خاصیت مالکیت شیء منقول به خود گرفته است. به این جهت انتقال سهم بی‌نام، عیناً تابع مقرراتی است که در قانون مدنی برای اشیاء منقول و مقررات خاصی که در باب پنجم قانون تجارت از ماده‌ی ۳۲۰ تا ۳۳۴ برای اسناد در وجه حامل مقرر شده، می‌باشد. این مقررات چون کلی است، شامل سایر اسناد در وجه حامل از جمله سهام بی‌نام نیز می‌باشد. این اسناد چون بی‌نام و در حکم اسناد در وجه حامل است، متصرف یا دارنده، مالک چنین سندی به شمار می‌رود مگر این که خلاف حکم مزبور به اثبات برسد.

برحسب قواعد حاکم بر اسناد در وجه حامل، که انتقال آن‌ها با قبض و اقباض صورت می‌گیرد و هیچ تشریفات خاصی برای انتقال آن‌ها ضرورت ندارد؛ انتقال سهام بی‌نام نیز با قبض و اقباض صورت می‌گیرد و تشریفات دیگری ندارد.

ماده ۳۹ لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ نیز به همین نکته پرداخته است:

«سهم بی‌نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می‌شود، مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال این گونه سهام به قبض و اقباض به عمل می‌آید. گواهینامه‌ی موقت سهام بی‌نام در حکم سهام بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی‌نام می‌باشد.»

۱. اعظمی زنگنه، عبدالحمید، پیشین، ص ۹۸



در ماده‌ی ۳۹ گواهینامه‌ی موقت سهام بی‌نام نیز ذکر شده و آن را در حکم سهام بی‌نام دانسته است. در ماده ۳۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷ مقرر شده است که: «مادامی که تمام مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده، صدور ورقه سهم بی‌نام یا گواهینامه موقت بی‌نام ممنوع است.

به تعهد کننده این گونه سهام گواهینامه موقت بانام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام بانام است». از این ماده دو نتیجه حاصل می‌شود،

الف: پرداخت مبلغ پرداخت نشده سهم تضمین می‌شود. در غیر این صورت شرکت نمی‌داند به هنگام وصول مبلغ پرداخت نشده سهم چگونه عمل نماید و به چه کسی مراجعه کند.

ب: شرکت نمی‌تواند از ابتدا اقدام به انتشار سهام بی‌نام نماید مگر اینکه به هنگام پذیره‌نویسی، ورقه تعهد سهام بی‌نام در اختیار پذیره‌نویس قرار داده باشد و آن‌ها نیز با این گونه ورقه اقدام به اتباع نموده باشند.

در این صورت نیز صدور سهم بی‌نام تا پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام شرکت معلق خواهد ماند. باین حال گواهینامه موقت سهام بی‌نام، در حکم سهام بی‌نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد، مشمول مقررات سهام بی‌نام می‌باشد (ماده ۴۸ و تبصره آن از قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳).

از آنجایی که متعهد اتباع سهم، مسئول پرداخت مبلغ اسمی آن می‌باشد و در صورتی که سهم خود را قبل از تأدیه تمام مبلغ اسمی آن به دیگری انتقال دهد،

بر حسب ماده ۳۴ لایحه بعد از انتقال دارنده سهم (یعنی خریدار) مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود. بدین جهت اگر سهم مورد انتقال بی‌نام بوده باشد بر اساس بند ۲ ماده ۲۴۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷ فروشنده قابل تعقیب کیفی است؛

«اشخاص زیر به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال، یا به جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال، یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ...

۲- هر کس سهم بی‌نام را قبل از آن که تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد، صادر کند و یا بفروشد، یا به معرض فروش گذارد.»

بخش پنجم: انتقال در شرکت‌های سهامی عام و سهامی خاص

شرکت‌های سهامی از شرکت‌های سرمایه محسوب می‌شوند و در این شرکت‌ها آنچه ملاک اعتبار است سرمایه و آورده‌ی شرکا به شرکت است ولی شخصیت شرکا در آن نقشی ندارد و مناط اعتبار محسوب نمی‌شود. نتیجه‌ی این امر آزادی در انتقال سهام است و شریک بدون وجود مانع، بخصوص در شرکت سهامی عام، می‌تواند سهام خود را منتقل و از شرکت خارج شود.



ولی شرکت‌های شخص به دلیل داشتن حالت خانوادگی یا دوستانه و ... که شخصیت شرکا در آن ملاک است، اصل بر عدم امکان انتقال سهم‌الشرکه است مگر در صورت حصول شرایطی که قانون‌گذار و یا حتی اساسنامه‌ی این شرکت‌ها مشخص کرده است.^۱

باینکه در شرکت‌های سهامی اصل بر آزادی انتقال سهام است درعین حال انتقال سهام شرکت سهامی خاص می‌تواند با محدودیت‌هایی مواجه شود. در شرکت سهامی عام مجامع و هیئت‌مدیره نمی‌تواند در انتقال سهام اشخاص سهامدار محدودیت ایجاد کند و موافقت آنان در انتقال سهام لازم نیست و همچنین در اساسنامه‌ی این شرکت‌ها نیز نمی‌توان در انتقال سهام مانع و محدودیت مقرر کرد. ماده ۴۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «در شرکت‌های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود».

این ماده جنبه‌ی امری دارد و امکان توافق برخلاف آن وجود ندارد.

صلاحیت اساسنامه در موارد سکوت قانون می‌باشد. بعلاوه تعداد سهامداران این نوع شرکت زیاد است و اعمال چنین شرطی مشکلات فراوانی را برای سهامداران ایجاد می‌کند.

در شرکت سهامی خاص برحسب مفهوم مخالف ماده ۴۱ لایحه می‌توان در اساسنامه انتقال سهام را محدود به موافقت مجمع عمومی و ... کرد. شیوه معمول درج شروط محدودکننده انتقال سهام شرکت‌های سهامی خاص، درج در اساسنامه است. این قاعده یعنی، امکان ایجاد محدودیت در انتقال سهام شرکت‌های سهامی خاص، اصل نمی‌باشد بلکه «ممکن» است در اساسنامه پیش‌بینی شود، یعنی در هر حال اصل بر آزادی انتقال سهام است. دلیل این که امکان ایجاد محدودیت در انتقال سهام این شرکت‌ها وجود دارد در واقع به این دلیل است که گاهی ممکن است این شرکت‌ها از تعداد کمی شریک تشکیل شده باشد و یا حالت دوستانه یا حالت حرفه‌ای و ... داشته باشد که شرکا علاقه‌ای به ورود اشخاص ناخواسته در شرکت نداشته باشند.

در صورتی که شرط موافقت در انتقال سهام این شرکت‌ها پیش‌بینی شده باشد، شخص خواهان خروج در صورت عدم کسب موافقت در انتقال، زندانی سهام خود می‌شود. در این حالت امکان انحلال شرکت وجود ندارد، زیرا این مورد از موارد انحلال شرکت، مقرر در ماده ۲۰۱ لایحه نمی‌باشد. راه‌حل این مسئله می‌تواند این باشد که یا خود شرکا سهم او را بخرند، یا اشخاص موردنظر شرکت را پیدا کنند تا سهم شریک خواهان خروج را بخرند یا شرکت، سهم شریک خواهان خروج را باز خرید کند و سرمایه خود را به

^۱. پاسبان، محمد رضا، پیشین، ص ۲۹۶



میزان سهم او کاهش دهد. البته بعد از باز خرید سهام، سرمایه‌ی باقیمانده شرکت نباید کمتر از حداقل قانونی باشد. در باز خرید سهام؛ مبلغ سهام شریک خواهان خروج از سرمایه‌ی شرکت کسر و در اختیار او قرار داده می‌شود و سهام او باطل می‌شود. (شرکت نمی‌تواند سهام شریک را نگه دارد، زیرا به منزله‌ی خرید سهام توسط خود شرکت است که این امر در ماده ۱۹۸ لایحه اصلاحی منع شده است).

بخش ششم: انتقال سهام در شرکت مختلط سهامی

بر اساس ماده ۱۶۲ این شرکت از یک عده شریک سهامی و یک عده شریک ضامن تشکیل می‌شود. شرکایی که صاحب سهم هستند، مسئولیتشان به میزان سهم و مسئولیت شرکای ضامن، تضامنی (مطلق و نامحدود) است. شرکای ضامن، سرمایه نقدی به شرکت نمی‌آورند، بلکه سرمایه آن‌ها به صورت کار یا صنعت می‌باشد و سود آن‌ها نیز به صورت درصد، تعیین می‌شود.^۱ این شرکت در مقایسه با شرکت مختلط غیر سهامی در معامله سهام آزاد است. در شرکت مختلط غیر سهامی سهم شریک با مسئولیت محدود به صورت سهام درمی‌آید و مانند سهام شرکت‌های سهامی قابل نقل و انتقال است و شخصیت شرکای صاحب سهم اهمیتی ندارد.

در شرکت مختلط سهامی، سهم‌الشرکه شرکا با مسئولیت محدود به صورت سهام درمی‌آید و مانند سهام شرکت‌های سهامی، فروش سهام آن، آزاد می‌باشد. در این شرکت‌ها، شخصیت شرکای با مسئولیت محدود به هیچ وجه در نظر گرفته نمی‌شود و شرکا در حکم صاحبان سهام شرکت‌های سهامی هستند. در این شرکت‌ها ضرورتی ندارد شریک ضامن سرمایه را تأمین کند و در صورتی که سرمایه‌ی شرکت را تأمین کرد، در حکم شریک صاحب «سهم» است و آورده‌ی او نیز به سهام درمی‌آید. در هر حال او ضامن طلبکاران است و باینکه سرمایه‌ی او به صورت سهام درمی‌آید ولی مسئولیت او در هر حال تضامنی و نامحدود است. شریک یا شرکای ضامن با انجام کار و صنعت خود اداره امور شرکت را بر عهده می‌گیرند و در پایان سال قسمتی از منافع شرکت را دریافت می‌کنند و معمولاً سهم آن‌ها به نسبت نصف یا ثلث یا ربع منافع تأدیه می‌گردد. حضور شخص حقوقی به عنوان شریک با مسئولیت محدود شریک سهامی اشکالی ندارد، ولی در خصوص حضور شخص حقوقی به عنوان ضامن دو نظر وجود دارد:

الف) شریک ضامن چون کار و صنعت را در شرکت می‌گذارد، باید حتماً شخص حقیقی باشد،

^۱ صفی‌نیا، نورالدین، درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴

ب) بر اساس ماده ۵۸۸ قانون تجارت چون شخص حقوقی می‌تواند، ضمانت کند و تضمین بدهد، بنابراین مشارکت آن نیز در شرکت‌های مختلط به‌عنوان شریک ضامن، از لحاظ حقوقی اشکالی ندارد. تنها موضوع مورد اشکال، مدیریت شخص حقوقی بر شرکت است، زیرا مدیریت عامل کلیه شرکت‌های تجاری باید شخص حقیقی باشد و برای رفع این اشکال کافی است در اساسنامه یا شرکت‌نامه‌ی شرکت ذکر گردد که شریک یا شرکای ضامن اختیاردارند، شخص یا اشخاص دیگری را به‌عنوان مدیر شرکت انتخاب کنند و به‌این ترتیب اشکال برطرف می‌شود. نتیجتاً چون در این شرکت سرمایه‌ی هر دو شریک با مسئولیت محدود و تضامنی، به‌صورت سهام درمی‌آید. انتقال این سهام آزاد می‌باشد، حتی شرکای تضامنی نیز نیاز به کسب موافقت برای انتقال سهام ندارند.

بخش هفتم: آثار حقوقی انتقال سهام

بر اساس اصل نسبی بودن قراردادهای، با انتقال سهام، آثاری بر طرفین قرارداد بار می‌شود که علاوه بر طرفین، برخلاف اصل نسبی بودن قراردادهای، اشخاص ثالث یعنی شرکت را نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

بند اول: انتقال حقوق و تعهدات ناشی از سهم

سهام به‌صورت قهری یا قراردادی منتقل می‌شود. منتقل‌آیه در هر دو حالت، قائم‌مقام (قانونی یا قراردادی) ناقل می‌باشد. ممکن است سهام دارای تعهداتی باشد، در این صورت منتقل‌آیه مسئول انجام تعهدات محسوب می‌شود، زیرا با انتقال سهام مالکیت سهام به همراه تمام تعهدات مربوط به آن به تملیک منتقل‌آیه درمی‌آید. از تعهدات سهامداران پرداخت مبلغ تعهد شده‌ی سهام است. بر اساس ماده ۳۴ لایحه اگر مبلغ اسمی سهم کاملاً پرداخت نشده باشد، بعد از انتقال سهام، دارنده‌ی سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود و معافیت ناقل و متعهد شدن خریدار، را در پی دارد. تعهد دیگری که ممکن است مربوط به سهام باشد، پرداخت اضافه ارزش سهام است. ممکن است شرکت سهام جدید صادر کند و خریدارانی که سهامداران فعلی شرکت نیستند؛ این سهام جدید را خریداری کنند، شرکت علاوه بر مبلغ اسمی سهام، تعهد دیگری نیز بر آنان تحمیل می‌کند و آن پرداخت مبلغی به‌عنوان اضافه ارزش سهام است. در صورتی که خریدارانی که سهام جدید را خریداری کرده‌اند، این تعهد را ادا نکرده باشند و سهام را به دیگری انتقال دهند، انجام این تعهد، یعنی پرداخت اضافه ارزش سهام بر عهده‌ی خریدار این سهام است. تعهدات گاهی مربوط به سهام و مالکیت سهام است و گاهی مربوط به سهامدار؛ در واقع بعضی تعهدات مربوط به شخص سهامدار در شرکت است و از تبعات سهام و مالکیت آن محسوب نمی‌شود. ایفاء تعهدات، توسط خریدار؛ تنها مربوط به تعهدات مربوط به سهام است و نه سهامدار سابق. شرکت نیز تنها ایفاء این نوع تعهدات (یعنی



تعهدات مربوط به سهام) را باید از سهامدار جدید بخواهد. اگر قبل از انتقال، شرکت ایفاء تعهدات را از سهامدار بخواهد و سهامدار بدون انجام تعهد، آن را به دیگری انتقال دهد، منتقل‌الیه مسئول انجام تعهدات نیست ولی حقوق و مزایای مربوط به سهام به او تعلق می‌گیرد. دلیل این امر این است که با درخواست انجام تعهد از سوی شرکت، تعهد بر متعهد مستقر شده و با انتقال سهام این تعهد مستقر شده، منتقل نمی‌شود و از تعهدات خود سهامدار محسوب می‌شود. ولی حقوق ناشی از سهام با انتقال مالکیت سهام، از تبعات سهام است و منتقل می‌شود و عدم انجام تعهد توسط ناقل، مانع از انتقال حقوق نمی‌باشد. موردی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که انتقال قراردادی سهام باید به ثبت برسد تا قابلیت استناد پیدا کند، در واقع انتقال بدون ثبت فقط بین طرفین معتبر است ولی شرکت و اشخاص ثالث این انتقال را قابل اعتنا نمی‌دانند و شرکت نمی‌تواند انجام تعهد را از خریدار بخواهد، ولی در صورتی که انتقال ثبت شود، شرکت می‌تواند انجام تعهد را بخواهد. علاوه بر موارد انتقال قراردادی سهام که باعث انتقال تعهدات و دیون ناشی از مالکیت سهام می‌شود، در انتقال قهری سهام نیز کلیه تعهداتی که ناشی از خود سهم است، بر عهده منتقل‌الیه قهری قرار می‌گیرد و به او منتقل می‌شود.

انتقال حقوق ناشی از سهم، در اکثر موارد با مشکل خاصی مواجه نیست و بدون قید و شرطی به منتقل‌الیه انتقال می‌یابد (برخلاف انتقال تعهدات ناشی از سهم که تنها در حالت پرداخت تمام مبلغ اسمی سهام منتقل می‌شد).

با انتقال سهام حقوق و مزایای آن نیز به سهامدار منتقل می‌شود، این حقوق می‌تواند مربوط به سهام عادی باشد یا سهام ممتاز و در هر حال، منتقل‌الیه می‌تواند از آن‌ها بهره‌مند گردد.

حقوق و مزایای زمانی که منتقل می‌شود به‌طور کامل و هر آنچه بوده منتقل می‌شود و کمیت و کیفیت آن قابل تغییر نیست، البته خود ناقل و منتقل‌الیه می‌توانند بر انتقال قسمتی از حقوق مربوط به سهام توافق کنند، این توافق فقط بین این دو طرف معامله معتبر است ولی شرکت خریدار را صاحب کلیه حقوق می‌داند و به توافق این دو اعتباری نمی‌دهد.

کیفیت سهام هر چه باشد به همان صورت منتقل می‌شود، مثلاً ممکن است سهام حق تقدمش واگذار شده باشد، پس در صورت انتقال سهام، این حق دوباره برای سهامدار جدید لحاظ نمی‌شود، بلکه این حق برای او وجود ندارد، زیرا سهام واجد این حق نیست. در نتیجه اوصاف سهام همان است که قبل از خرید دارا بوده است.

سهامدار «ناقل» ممکن است در شرکت دارای حقوق و مزایای شخصی باشد که با انتقال سهامش این حقوق مربوط به شخص به سهامدار جدید به عنوان خریدار منتقل نمی‌شود، زیرا این حقوق و مزایا مربوط به شخص سهامدار «ناقل» است و نه سهام او.

بند دوم: ثبت انتقال در دفاتر ثبت سهام شرکت

بر اساس اصل نسبی بودن قراردادها، اثر انتقال سهام تنها مربوط به طرفین معامله است ولی در انتقال سهام، اثر قرارداد علاوه بر طرفین یعنی ناقل و منتقل‌الیه سهام، بر شرکت نیز مؤثر است. البته انتقال زمانی بر شرکت نیز مؤثر است که انتقال در دفتر شرکت ثبت شده باشد و شرایط شکلی انتقال، رعایت شده باشد. اثر انتقال سهام بر شرکت، سهامدار شناختن منتقل‌الیه است و این که منتقل‌الیه جزء شرکای شرکت محسوب و نام او به عنوان مالک در دفتر ثبت می‌شود. همچنین با ثبت انتقال در شرکت، خریدار واجد حقوق و تعهدات مربوط به سهم می‌شود. زمان ثبت انتقال در قانون مشخص نشده ولی در هر حال زمان ثبت نام باید یک مدت متعارف و معقول باشد و نه خیلی فوری و نه تأخیر بیش از حد. شرکت باید مدارک مربوط به انتقال را بررسی کند و برای این کار نیاز به فرصت کافی دارد و بعد از بررسی مدارک، در صورت صحت مدارک و قانونی بودن انتقال، انتقال را ثبت می‌کند. شرکت باید فرصت کافی برای بررسی مدارک و اطمینان از انتقال قانونی داشته باشد و پس از آن اقدام به ثبت انتقال نماید.

بند سوم: انتقال مالکیت حصه سهامدار از سرمایه شرکت

شرکت صاحب کل سرمایه است که سهام نمودار آن می‌باشد و در واقع سرمایه شرکت متعلق به شخص حقوقی است. در کلیه شرکت‌های تجاری، دارایی شرکت، از دارایی شرکا جدا است. سرمایه شرکت بعد از پرداخت، جزء دارایی شرکت محسوب می‌شود. «شخص زمانی که وارد شرکت شد و آورده‌ی خود را به شرکت آورد، در برابر آورده‌اش به او سهم تعلق می‌گیرد. هر سهم معلوم می‌کند که نسبت به کل سرمایه، صاحب آن تا چه حد حقوق و تعهدات دارد. یعنی هر سهم نمودار یک قسمت از کل سرمایه شرکت است و صاحب سهم از منافع آن استفاده می‌کند و به میزان سهم خود شریک در تعهدات شرکت است»^۱.

درست است که شرکت صاحب کل سرمایه است که سهام نمودار آن می‌باشد و در واقع سرمایه متعلق به شخص حقوقی است ولی در صورت انحلال شرکت، سهامداران به نسبت سهم خود، در سرمایه سهم دارند.

^۱ . حسینی، حسن، پیشین، ص ۶۸-۶۹



یعنی زمانی که شرکت منحل شد، شخص به میزان سهمش مالک دارایی باقیمانده‌ی آن شرکت است (مگر سهامداران سهام انتفاعی که سهمی از این سرمایه نمی‌برند). البته همان‌طور که در مبحث ماهیت معاملات سهام آمد این حق احتمالی است، ولی در حال با انتقال سهام این حق احتمالی نیز به منتقل‌الیه، انتقال میابد.

بخش هشتم: تکالیف طرفین قرارداد انتقال سهام

زمانی که قرارداد انتقال بین طرفین منعقد شد، برای این که هر کدام بتوانند حق مالکیت خود را اعمال کنند، باید وظایفی را انجام دهند. در صورتی که به این تکالیف عمل نشود، طرفین با وجود مالکیت قانونی امکان اعمال حق مالکیت ندارند و در این صورت امکان اجبار ایشان به انجام این وظایف از سوی مراجع ذیصلاح و همچنین امکان مطالبه‌ی خسارت وجود دارد. در این قسمت به بیان وظایف طرفین پرداخته می‌شود.

بند اول: تکالیف ناقل

زمانی که معامله بین ناقل و منتقل‌الیه منعقد شد، ناقل باید اوراق مربوط به انتقال سهام را به شخص ارائه دهد و برای تکمیل انعقاد به دفتر ثبت سهام شرکت مراجعه کند. هم‌چنین ثبت انتقال را در دفتر ثبت سهام را امضا کند. علاوه بر اوراق انتقال، اوراق سهام نیز باید به منتقل‌الیه منتقل شود تا خریدار بتواند از حقوق و مزایای آن استفاده کند. البته زمانی که عقد منعقد شد، خریدار مالک سهام هست ولی دارا بودن اوراق سهام و ارائه‌ی آن به شرکت و ثبت انتقال است که، به این انتقال سندیت می‌دهد و شخص می‌تواند از حقوق و مزایای آن بهره‌مند گردد. در صورتی که ناقل به تکالیف خود عمل نکند و اوراق را تسلیم نکند، امکان اجبار او از طریق مراجع ذیصلاح قضایی وجود دارد. منتقل‌الیه می‌تواند الزام انتقال‌دهنده را به ثبت انتقال و امضاء دفاتر شرکت از طریق دادگاه نیز بخواهد و در صورت وجود مانع قانونی یا اساسنامه‌ای، انتقال‌دهنده مسئول جبران خسارت است. در واقع هم امکان اجبار ناقل به ارائه‌ی سند سهام وجود دارد و هم امکان اجبار او به حضور در شرکت و تسلیم اوراق انتقال و ثبت انتقال سهام. در صورتی که ناقل تعهدات خود را انجام ندهد، امکان فسخ و مطالبه‌ی خسارت برای منتقل‌الیه وجود دارد. البته تعهدات دو طرف قرارداد در مقابل یکدیگر قرار دارد و در صورتی که منتقل‌الیه به تعهد خود یعنی پرداخت مبلغ سهام، عمل نکند، شخص ناقل حق حبس دارد و می‌تواند تعهدات خود را تا ایفاء تعهدات منتقل‌الیه، انجام ندهد و اوراق را تسلیم نکند و یا دفتر ثبت را امضا نکند. تسلیم اوراق سهام بر اساس این که نوع سهام چیست و در کجا (داخل بورس یا خارج بورس) ارائه شده متفاوت است. در صورتی که انتقال سهام در بورس صورت پذیرد، انتقال‌دهنده اوراق سهام یا گواهینامه‌ی نقل و انتقال سهام را همراه دستور فروش و وکالت‌نامه فروش تسلیم کارگزار خود می‌کند تا

پس از انجام معامله تسلیم کارگزار خریدار شود. زمانی که معامله‌ی انتقال صورت می‌گیرد، به محض معامله انتقال ثبت نمی‌شود. تا زمانی که انتقال ثبت شود ایفاء حقوق و تعهدات بر عهده‌ی ناقل است زیرا، نام او هنوز به‌عنوان سهامدار در شرکت ثبت شده است. البته این مورد می‌تواند نوعی وکالت محسوب شود و ناقل وکیل منتقل‌الیه محسوب می‌شود.

بند دوم: تکالیف منتقل‌الیه

انتقال یک توافق بین ناقل و منتقل‌الیه است، در نتیجه تعهدات مربوط به این انتقال می‌تواند قانونی و یا برحسب توافق طرفین به اختیار تعیین شود. اگر تعهدات به‌صورت اختیاری ایجاد شده باشد طرفین موظف به عمل به این تعهدات هستند. انتقال سهام ممکن است معوض یا غیر معوض باشد. اگر انتقال سهام معوض باشد، تعهد منتقل‌الیه پرداخت معوض می‌باشد.

همان‌طور که گفته شد تعهدات طرفین قرارداد مقابل یکدیگر قرار دارد و در صورتی که منتقل‌الیه به تعهد خود عمل نکند و عوض سهام را نپردازد، برای ناقل حق حبس وجود دارد و می‌تواند از ثبت و امضای انتقال خودداری کند. در صورت عدم انجام تعهد و پرداخت معوض از سوی منتقل‌الیه، ناقل، می‌تواند الزام او را به انجام تعهد از دادگاه بخواهد و یا می‌توان برای ناقل، خیار تأخیر ثمن قائل بود. تعهد دیگر نیز این است که اگر انتقال معوض باشد، تا قبل از ثبت انتقال، شرکت و اشخاص ثالث، ناقل را سهامدار می‌شناسند و در صورتی که مبلغ سهام پرداخت نشده باشد و شرکت نیز قبل از ثبت انتقال، باقیمانده‌ی وجه را مطالبه کند، منتقل‌الیه باید قیمت سهام را به ناقل بپردازد تا ناقل آن را به شرکت پرداخت کند.

نتیجه‌گیری

با دارا شدن مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات (در شرکت و در مقابل شرکت) که به سهم اعتبار می‌دهد، نمی‌توان آن را یک حق دینی ساده دانست. تلفیق دو جنبه‌ی مادی و غیرمادی سهم موجب گردیده، سهم یک پدیده‌ی حقوقی جدید تلقی گردد که بررسی جنبه‌ی حقوقی آن در چارچوب حقوق کلاسیک با مشکلاتی مواجه است. سهم فراتر از رابطه‌ی حقوقی سهامدار و شرکت است و برای تحلیل ماهیت حقوقی آن باید از مبنای اصول حقوقی مدرن استفاده کرد. سهم در ردیف سایر اموال واجد اوصافی مانند قابلیت واگذاری و قابلیت نرخ‌گذاری بر اساس قانون عرضه و تقاضا در بازار بورس و است. تحت تأثیر دو جنبه‌ی مادی و غیرمادی سهم، انتقال سهم وضعیت خاص خود را دارد و در قراردادهای انتقال سهم باید علاوه بر شرایط عمومی قراردادهای، شرایط اختصاصی نیز که برای انتقال سهم در نظر گرفته شده، رعایت گردد. در خصوص انتقال سهام اصل بر آزادی انتقال است و این وصف ذاتی سهام است. امکان محدودیت



مطلق نسبت به آن وجود ندارد و در صورتی که این قابلیت به طور مطلق محدود شود، مخالف نظم عمومی و باطل می‌باشد. سهم همچون سایر اموال و حقوق مالی به دو صورت قهری و ارادی قابل انتقال بوده و در انتقال قراردادی رعایت شرایط عمومی انتقال (م ۱۹۰) ضروری است. مکانیسم‌های انتقال سهام متفاوت است و انتقال سهام می‌تواند در سازمان بورس و یا خارج از آن صورت گیرد؛ هم‌چنین انتقال سهام برحسب بانام یا بی‌نام بودن آن نیز متفاوت است. انتقال سهام بانام تابع تشریفات خاصی است از جمله حضور طرفین معامله در شرکت و ثبت و امضای انتقال در دفتر ثبت شرکت. انتقال سهام بی‌نام بدون تشریفات و با قبض و اقباض صورت می‌گیرد. برخلاف قاعده‌ی نسبی بودن اثر قراردادها، آثار انتقال سهام، شخص ثالث (شرکت) را نیز بدون داشتن نقشی در انتقال تحت تأثیر قرار می‌دهد. در صورت عدم رعایت شرایط اساسی قراردادها در انتقال سهام، برحسب مورد انتقال باطل و یا غیر نافذ است و در صورت عدم رعایت شرایط شکلی انتقال، انتقال بین طرفین صحیح ولی در برابر شرکت و اشخاص ثالث قابل استناد نیست.



منابع و مآخذ

۱. اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری). جلد ۱. چاپ ۱۲: تهران، انتشارات سمت. ۱۳۸۷
۲. اعظمی زنگنه، عبدالحمید. حقوق بازرگانی به نقل از فرخی، سمیرا، کارکرد سرمایه در شرکت سهامی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ۱۳۹۰
۳. پاسبان، محمدرضا، حقوق تجارت، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق به نقل از فرخی، سمیرا، کارکرد سرمایه در شرکت سهامی
۵. حسنی، حسن. حقوق تجارت. چاپ ۷: تهران، نشر میزان. ۱۳۸۹
۶. دوانی، غلامحسین، بورس، سهام و نحوه‌ی قیمت‌گذاری سهام، چاپ اول، تهران، نشر نخستین، ۱۳۸۱
۷. صفایی، حسین، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ ۷، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۹
۸. صفی‌نیا، نورالدین، درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۹. عرفانی، محمود. حقوق تجارت. جلد ۲. چاپ ۳: تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان
۱۰. عمید، حسن. فرهنگ عمید. جلد ۲. چاپ ۱۷: تهران، چاپ سپهر
۱۱. عیسی، تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس
۱۲. قریب، محمد. واژه‌نامه‌ی نوین. چاپ ۵: تهران، انتشارات بنیاد
۱۳. کاتبی، حسینقلی. حقوق تجارت، چاپ ۱۲، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷
۱۴. معماری، احمد. رژیم حقوقی سهام در شرکت‌های سهامی حقوق ایران و انگلیس. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه خوارسگان
۱۵. منصور، هومن، «آشنایی با بورس الکترونیک و نحوه‌ی معاملات در آن»، نشریه‌ی بورس اقتصادی، دوره‌ی ۱۷

